



یادداشت

مولدسازی دارایی بانک‌ها با توکن‌سازی
پایان انجماد، آغاز پویایی

حلیه صبور نژاد

عضو هیئت مدیره مؤسسه
بازار پول و ارز

شبکه بانکی کشور در تله پارادوکسی فرساینده گرفتار است: انباشت ملک و دارایی‌هایی که دیر نقد می‌شوند، منابع بانک‌ها را قفل کرده و می‌تواند آن‌ها را با کسری نقدینگی و وابستگی به بانک مرکزی روبه‌رو کند. طبق آمار منتشرشده در سال گذشته، ۱۷ بانک کشور بیش از ۳۷ میلیون مترمربع زمین و مسکن به ارزش تقریبی افزون بر ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان (۱,۰۰۰ همت) را در ۷۵ شرکت زیرمجموعه انبوه‌سازی منجمد کرده‌اند. قانونگذار در ماده ۱۶ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر»، تکلیفی صریح تعیین کرده است: واگذاری سالانه حداقل ۳۳ درصد از اموال مازاد و خروج کامل از سهام‌داری بنگاه‌های غیربانکی. ماده ۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت نیز تکالیف و مهلت‌های جدیدی را برای واگذاری دارایی‌های مازاد مؤسسات اعتباری پیش‌بینی کرده است. در این میان، مزایده‌ها و راهکارهای سنتی عمدتاً به دلیل قیمت‌گذاری‌های غیرواقعی، عدم همگامی بازدهی با تورم و کمبود خریدار دارایی‌های کلان به توفیق چندانی دست نیافته‌اند.

آغوش باز برای نوآوری مالی

بانک مرکزی در تابستان ۱۴۰۵ در دستورالعمل نحوه واگذاری اموال مازاد مؤسسات اعتباری از منطق سنتی فروش نقدی فاصله گرفته و مسیر نوآوری در شیوه‌های واگذاری را گشوده است. این دستورالعمل در کنار شیوه‌هایی مانند مزایده عمومی، ترک تشریفات و تهاتر با اموال سهل‌البیع، واگذاری به شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه بانکی (AMC) و استفاده از ابزارهای بازار سرمایه، شیوه «توکنایز کردن دارایی‌ها» را نیز به رسمیت شناخته است.

ملاحظات چاره‌جویی در توکن‌سازی

ساختار حقوقی توکن‌ها تعیین می‌کند کدام نهادهای ناظر در انتشار و عرضه آن‌ها صلاحیت دارد. در مواردی که توکن‌ها ماهیت اوراق بهادار پیدا کنند و به‌صورت عمومی عرضه شوند، رعایت مقررات بازار سرمایه و الزامات سازمان بورس ضروری خواهد بود. از سوی دیگر توکن‌سازی یک الگوی واحد و ثابت ندارد و ساختار و ماهیت توکن باید متناسب با نوع دارایی و ویژگی‌های آن طراحی شود. مثلاً برای پروژه‌های نیمه‌تمام، «توکن ساخت» کارآمد است که خریدار علاوه بر ارزش زمین، از ارزش افزوده فرایند ساخت بهره می‌گیرد و برای مجتمع‌های بزرگ تجاری، اداری و اقامتی درآمدزا، «توکن بهره‌برداری» مناسب است که در آن دارنده توکن از درآمدهای عملیاتی ملک نیز سهم می‌برد.

پیشگامان بانکی چه کنند؟

اقدامات متعدد شبکه بانکی در حوزه توکن‌سازی نشان می‌دهد این تحول مفهومی پتانسیل ورود به فازهای اجرایی جدی‌تر را دارد و هم‌افزایی تجارب مختلف می‌تواند این مسیر را هموارتر کند. به‌عنوان مثال، بانک پارسیان با استقرار کمیته‌های فرابخشی به ساختاری تعاونی دست یافته، بانک ملت با حضور در کنسرسیوم ققنوس بستر توکن‌سازی را آزموده و بازوی نوآوری بانک تجارت (تکنوتجارت) نیز با توسعه پلتفرم «داراوان»، گامی عملیاتی در تبدیل دارایی‌ها به توکن دیجیتال برداشته است. تمامی این تجارب نیازمند بهبود و توسعه هستند و هم‌افزایی بانک‌ها در این زمینه می‌تواند ثمربخش باشد.

میدان عمل توکن‌سازی

تبدیل این حرکت نوآورانه به موفقیتی ملی و پایدار، نیازمند تمهید الزاماتی مشخص در میدان عمل است؛ چرا که تغییر فرم واگذاری به توکن‌سازی، لزوماً و در هر شرایطی راهگشا نیست. پویایی این بازار در گرو حلقه‌های به‌هم‌پیوسته‌ای چون کشف قیمت منصفانه، شفافیت حقوقی اسناد و تضمین نقدشوندگی است. برای جلوگیری بروز مشکلات بعدی، در گام نخست همکاری ساختارمند میان بانک مرکزی، سازمان بورس، سازمان ثبت اسناد و املاک و وزارت اقتصاد می‌تواند فرایندها را تسهیل کرده و گره‌های حقوقی را بگشاید. تنها با تکمیل این چارچوب‌های مقرراتی و نظارتی است که خردسازی پروژه‌های بزرگ با منافع عموم گره می‌خورد و جریان سرمایه‌های خرد، به‌درستی به سوی بخش حقیقی مسکن و مولدسازی پایدار اقتصاد هدایت می‌شود.

تازه‌های اقتصاد از نقشه سود و زیان تغییر در نقشه انرژی دنیا گزارش می‌دهد

برندگان و بازندگان
نفت‌گران در جهان

۲

پشت‌ویترین رشد اقتصادی چین چه می‌گذرد؟

چین ثروتمند، جوانان بیکار

اقتصاد چین همچنان با تکیه بر صادرات، تولید صنعتی و فناوری پیش می‌رود؛ اما بیکاری بالای جوانان، رشد کند دستمزدها و بحران مسکن نشان می‌دهد که ثمره رونق اقتصادی این کشور هنوز به‌طور یکسان به زندگی شهروندان نرسیده است. در حالی که چین برای تقویت جایگاه خود در اقتصاد جهانی به توسعه فناوری و افزایش بهره‌وری ادامه می‌دهد، بخشی از نیروی کار این کشور با ناامنی شغلی و نگرانی درباره آینده روبه‌رو است.

چراغ سبز اقتصاددانان
به افزایش نرخ بهره آمریکا

اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند فدرال رزرو آمریکا در نشست اکتبر نرخ بهره را بدون تغییر نگه دارد، اما در دسامبر بار دیگر آن را افزایش دهد؛ تصمیمی که در شرایط تداوم تورم بالا، رشد اقتصادی مقاوم و افزایش هزینه‌های انرژی، می‌تواند نشانه‌ای از ادامه سیاست پولی انقباضی آمریکا باشد. از میان ۱۰۰ اقتصاددان شرکت‌کننده در نظرسنجی، ۹۴ نفر انتظار دارند بانک مرکزی آمریکا در نشست بعدی، نرخ بهره معیار را در محدوده ۳.۷۵ تا ۴ درصد تثبیت کند؛ پیش‌بینی‌ای که با انتظارات بازار نیز همخوانی دارد.



۴

دومین صندوق ارزی کلید خورد



در ادامه تجربه نخستین صندوق سرمایه‌گذاری ارزی کشور که با جذب کامل ظرفیت ۱۰ میلیون دلار به کار خود در مرحله پذیرهنویسی پایان داد، دومین صندوق ارزی بازار سرمایه از امروز (سه‌شنبه) فعالیت خود را در این مرحله آغاز می‌کند. به گزارش ایسنا، صندوقی که امکان سرمایه‌گذاری با حداقل ۱۰۰ دلار و حداکثر ۵۰۰ هزار دلار را برای اشخاص حقیقی و حقوقی فراهم کرده و قرار است اصل سرمایه و بازدهی محقق‌شده را به‌صورت ارزی به سرمایه‌گذاران پرداخت کند. بازار سرمایه ایران در فاصله حدود یک ماه از آغاز پذیرهنویسی نخستین صندوق سرمایه‌گذاری ارزی، میزبان دومین صندوق از این نوع می‌شود؛ ابزاری که با هدف ایجاد مسیر رسمی برای سرمایه‌گذاری ارزی و جذب بخشی از ارزهای نگهداری شده خارج از چرخه رسمی اقتصاد طراحی شده است.

گزارش خبری

واگذاری سهام تودلی به رونق بازار سرمایه می‌انجامد

واگذاری سهام تودلی برخی شرکت‌ها و بانک‌ها، در بلندمدت آثار قابل‌توجهی در روند بازار سهام خواهد داشت.

سیاوش غفاری، کارشناس بازار سرمایه با اشاره به مصوبه وزارت اقتصاد مبنی بر واگذاری سهام تودلی برخی شرکت‌ها و بانک‌ها اظهار کرد: واگذاری سهام تودلی، در صورتی که به‌درستی اجرا شود، تصمیمی مثبت برای اقتصاد و بازار سرمایه است. این اقدام از نظر تئوریک می‌تواند به حل یکی از مشکلات قدیمی اقتصاد، یعنی مسئله مالکیت و مدیریت، کمک کند.

وی با بیان اینکه مسئله مالکیت و مدیریت و آنچه در اقتصاد به‌عنوان «مسئله نمایندگی» شناخته می‌شود، از چالش‌های ساختاری بسیاری از شرکت‌هاست، افزود: در ساختار سهامداری تودلی، با حلقه‌ای بسته از مالکیت مواجه هستیم که در آن برخی مدیران با استفاده از منابع خود مجموعه، نفوذشان را در انتخاب اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های بالادستی و پایین‌دستی حفظ می‌کنند.

غفاری ادامه داد: در چنین شرایطی ممکن است سهم واقعی این مدیران از منافع اقتصادی و سود شرکت چندان قابل‌توجه نباشد، اما در مقابل، نفوذ زیادی در انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و کنترل شرکت داشته باشند. این وضعیت باعث می‌شود ساختار مالکیت شفاف نباشد و مدیران در برابر صاحبان واقعی سرمایه پاسخ‌گویی کافی نداشته باشند؛ در حالی که بخش مهمی از سهامداران این شرکت‌ها را عموم مردم تشکیل می‌دهند و شرکت‌ها نیز در بازار سرمایه پذیرفته شده‌اند.

این کارشناس بازار سرمایه تصریح کرد: از این منظر، واگذاری سهام تودلی می‌تواند اقدامی مثبت برای شفافیت مالکیت، اصلاح ساختار مدیریتی و تقویت پاسخ‌گویی مدیران باشد؛ با این حال، تحقق این اهداف به نحوه اجرای مصوبه بستگی دارد.

غفاری درباره آثار این تصمیم بر بازار سهام گفت: برای بررسی تأثیر واگذاری سهام تودلی باید میان پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت آن تفاوت قائل شد؛ یکی از موضوعات مهم در این زمینه، هویت خریدار سهام است.

وی افزود: اگر خریدار سهام تودلی، شرکتي باشد که خود در بازار سرمایه حضور دارد، ممکن است برای تأمین منابع مالی موردنیاز جهت خرید، بخشی از دارایی‌های خود را واگذار کند یا با فشار فروش در نماد معاملاتی خود مواجه شود. با این حال، با توجه به اینکه این واگذاری‌ها عمدتاً به‌صورت معاملات بلوکی انجام می‌شوند، انتظار نمی‌رود در کوتاه‌مدت الزاماً فشار عرضه قابل‌توجهی به بازار تحمیل شود. این مدرس بازار سرمایه ادامه داد: حتی ممکن است انجام چنین معاملاتی در شرایطی به تقویت تقاضا نیز منجر شود؛ بنابراین نمی‌توان از پیش، اثر منفی قطعی برای بازار سهام در نظر گرفت و باید شرایط معامله، منابع مالی خریدار و نحوه تأمین این منابع را بررسی کرد.

وی با اشاره به شرایط اقتصادی و سیاسی کشور خاطرنشان کرد: در حال حاضر، متغیرهایی مانند نرخ ارز و تنش‌های ژئوپولیتیکی بر بازار سرمایه اثرگذارند. به همین دلیل، ممکن است آثار مثبت ناشی از ابلاغ بخشنامه وزارت اقتصاد و پیگیری برای تسریع واگذاری سهام تودلی، در میان اخبار سیاسی و تنش‌های موجود چندان نمایان نشود.

غفاری افزود: این احتمال وجود دارد که اثر مثبت این تصمیم در کوتاه‌مدت زیر سایه سایر متغیرهای اقتصادی و سیاسی قرار بگیرد و در مقطع دیگری، به‌ویژه در میان‌مدت و بلندمدت، آثار واقعی آن بر عملکرد شرکت‌ها و وضعیت سهام آنها آشکار شود.

این کارشناس بازار سرمایه با تأکید بر اهمیت پیامدهای بلندمدت واگذاری سهام تودلی گفت: هدف اصلی این واگذاری‌ها باید اصلاح ساختار مالکیت و مدیریت شرکت‌ها و فراهم کردن زمینه ورود مالکان توانمند باشد. اگر این فرایند به‌درستی انجام شود، می‌توان انتظار داشت ابهامات موجود در ساختار برخی شرکت‌ها کاهش یابد و وضعیت مدیریتی و عملکردی آنها بهبود پیدا کند.

وی ادامه داد: در چنین شرایطی، بهبود عملکرد شرکت‌ها می‌تواند در بلندمدت بر وضعیت سهام آنها نیز اثر مثبت بگذارد.

تداوم صادرات نفت با وجود محدودیت‌ها



نماینده رئیس‌جمهور در حوزه توسعه دریامحور: گمرکات کشور فعال‌اند و صادرات نفت با وجود محدودیت‌ها تداوم دارد. عبدالعلی‌زاده، با تأکید بر اهمیت هوشمندسازی طرح آمایش سرزمین گفت: اجرای این طرح با کمک هوش مصنوعی، ضمن صرفه‌جویی در وقت مردم و دستگاه‌های اجرایی و تسریع در پاسخگویی به متقاضیان، احتمال تخلف از طرح‌ها و برنامه‌ها را به حداقل می‌رساند. با هوشمندسازی فرایندها، ارتباط مستقیم متقاضیان با نظام اداری کاهش می‌یابد و پاسخ درخواسته‌ها با کمک هوش مصنوعی سریع‌تر ارائه می‌شود. همچنین با کنترل طرح‌ها و برنامه‌ها از طریق هوش مصنوعی، امکان تخلف از ضوابط به نزدیک صفر می‌رسد. عبدالعلی‌زاده همچنین درباره فعالیت گمرکات کشور گفت: همه گمرکات، به‌ویژه گمرکات دریای خزر و جنوب، فعال هستند و خدمات خود را ارائه می‌دهند.

افزایش تولید خودرو



وزیر صمت با ابراز امیدواری نسبت به تأمین برق و گاز صنایع و فولاد مورد نیاز خودروسازان در نیمه دوم سال، تأکید کرد که فراهم شدن این الزامات می‌تواند زمینه افزایش تولید خودرو را فراهم کند. محمد اتابک با اشاره به اهمیت تأمین پایدار انرژی و مواد اولیه برای تداوم تولید اظهار امیدواری کرد که با تأمین برق و گاز مورد نیاز واحدهای صنعتی در نیمه دوم سال و همچنین تأمین فولاد مورد نیاز خودروسازان، امکان افزایش تولید خودرو در سال جاری فراهم شود. وی همچنین گفت: افزایش تولید، ارتقای کیفیت و توسعه ساخت داخل باید به‌صورت هم‌زمان دنبال شود تا صنعت خودرو ضمن حفظ ظرفیت‌های اشتغال‌زایی و تولیدی خود، بتواند نیاز بازار داخلی را بهتر تأمین کند و سهم بیشتری در رشد اقتصادی کشور داشته باشد.

برندگان و بازندگان نفت گران در جهان



انرژی

نوسان قیمت نفت در محدوده ۱۱۰ دلار در هر بشکه، برندگان و بازندگان تازه‌ای در اقتصاد جهانی ساخته است. شرکت‌های بزرگ نفتی و تولیدکنندگان آمریکای شمالی و جنوبی از افزایش قیمت و تغییر مسیر تجارت انرژی فرصت‌های تازه‌ای به دست آورده‌اند، اما اروپا، اقتصادهای آسیایی واردکننده نفت، شرکت‌های هواپیمایی و خانوارها با هزینه‌های بیشتری روبه‌رو شده‌اند. با این حال، نفت گران برای همه صادرکنندگان به معنای درآمد بیشتر نیست؛ زیرا اختلال در تولید و صادرات می‌تواند بخشی از منفعت افزایش قیمت را از بین ببرد.

بحران انرژی، علاوه بر افزایش قیمت نفت، مسیر تجارت جهانی، سودآوری پالایشگاه‌ها و تصمیم‌های سرمایه‌گذاری را نیز تغییر داده است. در این شرایط، برنده واقعی لزوماً کشوری نیست که ذخایر نفت بیشتری دارد، بلکه تولیدکننده‌ای است که می‌تواند با هزینه کمتر، از مسیر امن‌تر و با دسترسی آسان‌تر به مشتریان، نفت خود را صادر کند.

برگ برنده غول‌های نفتی

شرکت‌های بزرگ انرژی از مهم‌ترین منتفعان افزایش قیمت نفت هستند؛ به‌ویژه شرکت‌هایی که علاوه بر تولید، در پالایش، تجارت فرآورده‌ها و مدیریت محموله‌های انرژی نیز فعالیت دارند. رویترز در گزارشی در ۲۰ اکتبر از چشم‌انداز افزایش سود شرکت‌های بزرگ نفتی در سه‌ماهه سوم خبر داد. بر اساس این گزارش، شل انتظار دارد حاشیه سود پالایش آن به ۴۲ دلار در هر بشکه برسد. توتال انرژیز نیز پیش‌بینی کرده است جریان نقدی بخش پالایش و مواد شیمیایی آن نسبت به سه‌ماهه قبل دو برابر شود و به حدود ۴ میلیارد دلار برسد. اکسون‌موبیل هم از احتمال افزایش ۴.۵ میلیارد دلاری سود بخش پایین‌دستی خود خبر داده است.

این تحولات نشان می‌دهد سودآوری صنعت انرژی تنها به قیمت نفت خام وابسته نیست. در دوره‌های اختلال عرضه، افزایش فاصله قیمت فرآورده‌ها با هزینه خوراک و فرصت‌های معاملاتی می‌تواند سود برخی پالایشگاه‌ها و شرکت‌های بازرگانی را بالا ببرد. البته این مزیت همگانی نیست؛ شرکت‌هایی که نمی‌توانند افزایش هزینه خوراک را به مشتری منتقل کنند، ممکن است با کاهش حاشیه سود مواجه شوند.

همچنین افزایش سود یک فصل، تضمینی برای تداوم سودآوری در بلندمدت نیست.

تغییر نقشه انرژی جهان

افزایش قیمت نفت، توسعه میادین پرهزینه‌تر را اقتصادی‌تر کرده و انگیزه سرمایه‌گذاری در تولید و صادرات را افزایش داده است. فایننشال تایمز در گزارشی در ۲۰ اکتبر نوشت جنگ ایران موازنه قدرت در بازار جهانی نفت را به سود قاره آمریکا تغییر داده است. برآورد شرکت مشاوره انرژی ریتسارد انرژی، از افزایش حدود ۱۰ درصدی تولید نفت و گاز آمریکای شمالی و جنوبی تا پایان سال ۲۰۲۶ حکایت دارد.

● صورت‌حساب پنهان بحران انرژی

شرکت‌های هواپیمایی، کشتیرانی و حمل‌ونقل جاده‌ای نیز در معرض افزایش هزینه سوخت قرار دارند. شرکت‌هایی که امکان افزایش نرخ بلیت یا کرایه حمل را ندارند، ناچارند بخش بیشتری از این شوک را تحمل کنند. افزایش قیمت حمل‌ونقل کالا نیز می‌تواند هزینه واردات و صادرات را بالا ببرد و به تورم در بخش‌های مختلف اقتصاد دامن بزند. خانوارها نیز هزینه نفت گران را از طریق افزایش قیمت سوخت، حمل‌ونقل، مواد

دهد. به همین دلیل، بازار نفت هم‌زمان تحت تأثیر دو نیروی متضاد قرار دارد: خطر اختلال عرضه در خاورمیانه و احتمال افزایش صادرات از منابع دیگر.

اروپا و آسیا؛ بازندگان نفت گران

اقتصادهای واردکننده انرژی، به‌ویژه اروپا و بخش بزرگی از آسیا، از آسیب‌پذیرترین بازیگران در برابر افزایش قیمت نفت هستند. نفت گران هزینه واردات، حمل‌ونقل و تولید را بالا می‌برد و صنایع انرژی‌بر را با فشار بیشتری مواجه می‌کند. شرکت‌ها در صورت انتقال هزینه‌ها به مصرف‌کننده، به افزایش قیمت کالاها دامن می‌زنند و در صورت ناتوانی در انتقال هزینه، با کاهش سودآوری و سرمایه‌گذاری روبه‌رو می‌شوند. آژانس بین‌المللی انرژی در گزارش بازار نفت اکتبر ۲۰۲۶ اعلام کرده است هزینه بالای نفت و حمل‌ونقل، همراه با اختلال در عرضه فرآورده‌ها، حاشیه سود پالایشگاه‌های اروپا و آسیا را تحت فشار قرار داده است. در مقابل، دسترسی برخی پالایشگاه‌های آمریکایی به خوراک ارزان‌تر به تقویت موقعیت رقابتی آنها کمک کرده است.

این تفاوت نشان می‌دهد محل استقرار، دسترسی به خوراک، امنیت مسیرهای تجاری و ساختار فعالیت شرکت‌ها می‌تواند تعیین کند چه کسی از نفت گران سود می‌برد و چه کسی زیان می‌کند.

برد مشروط و محدود روس‌ها

روسیه نیز ممکن است از افزایش قیمت جهانی و تقاضا برای منابع جایگزین انرژی بهره‌مند شود. با این حال، درآمد واقعی این کشور به قیمت فروش، تخفیف‌های احتمالی، هزینه حمل‌ونقل و بیمه و محدودیت‌های مالی بستگی دارد. افزایش قیمت نفت خام نیز لزوماً همه بخش‌های صنعت انرژی روسیه را منتفع نمی‌کند؛ اختلال در تولید فرآورده‌ها و افزایش هزینه حمل می‌تواند بخشی از مزیت قیمت را خنثی کند. از سوی دیگر، ورود محموله‌های بیشتر روسیه به بازار می‌تواند بخشی از فشار عرضه را کاهش

۱۸ شرکت در ۷ ماه نخست امسال وارد فرابورس شد

شرکت رسید. در همراه نیز ۵ شرکت در فرابورس عرضه اولیه شدند. از نظر بازار محل عرضه نیز بازار دوم فرابورس بیشترین سهم را داشته است. بر اساس آمار موجود، بیش از ۸۲ درصد عرضه‌های اولیه امسال در این بازار انجام شده که نشان‌دهنده تمرکز بخش عمده عرضه‌ها در بازار دوم فرابورس است.

عبور عرضه‌های اولیه از آمار سال‌های گذشته

مقایسه تعداد عرضه‌های اولیه فرابورس در سال‌های اخیر نیز تصویر روشن‌تری از عملکرد امسال ارائه می‌دهد. در سال ۱۴۰۱، تعداد عرضه‌های اولیه به ۱۶ شرکت رسید؛ این رقم در سال ۱۴۰۲ به ۹ شرکت کاهش یافت و در سال ۱۴۰۳ با ثبت ۱۵ عرضه اولیه، بار دیگر افزایش پیدا کرد. در سال ۱۴۰۴ نیز ۱۲ شرکت در فرابورس عرضه اولیه شدند. این در حالی است که تعداد عرضه‌های اولیه فرابورس در هفت ماه نخست سال ۱۴۰۵ به ۱۸ شرکت رسیده است؛ رقمی که از مجموع عرضه‌های اولیه ثبت‌شده در هر یک از سال‌های ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ بیشتر است. به این ترتیب، فرابورس در هفت ماه امسال، حتی با وجود توقف حدود ۸۰ روزه معاملات، توانسته رکورد عرضه‌های اولیه سال‌های گذشته را پشت سر بگذارد.

بورس

بازار سرمایه در سال ۱۴۰۵، با وجود تجربه روزهای پرنوسان و توقف حدود ۸۰ روزه معاملات در پی جنگ، شاهد عرضه اولیه ۱۸ شرکت در فرابورس بوده است.

بازار سرمایه در سال ۱۴۰۵ شرایط متفاوتی را پشت سر گذاشت. وقوع جنگ و توقف طولانی‌مدت معاملات، روند فعالیت بازار را تحت تأثیر قرار داد و وقفه‌ای در جریان عادی معاملات ایجاد کرد. با این حال، پس از بازگشایی بازار، فرابورس ایران روند عرضه‌های اولیه را از سر گرفت و از خردادماه تا پایان مهرماه، ۱۸ شرکت در این بازار عرضه شدند.

بررسی آمار ماهانه عرضه‌های اولیه نشان می‌دهد خرداد ماه با ثبت ۶ عرضه اولیه، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. حدود ۳۳ درصد از مجموع ۱۸ عرضه اولیه امسال در این ماه انجام شده؛ موضوعی که از تمرکز عرضه‌ها در نخستین ماه پس از بازگشایی بازار حکایت دارد.

در مقابل، روند عرضه‌های اولیه در تیر و مردادماه با کاهش همراه شد و در هر یک از این دو ماه، تنها یک شرکت وارد فرابورس شد. با این حال، این روند در شهریورماه تغییر کرد و تعداد عرضه‌های اولیه به ۵

محدودیت بزرگ نفت گران

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های فشار ناشی از افزایش قیمت، پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی درباره کاهش مصرف جهانی نفت است. این نهاد در گزارش اکتبر خود پیش‌بینی کرده است تقاضای جهانی نفت در سه‌ماهه چهارم ۲۰۲۶ نسبت به دوره مشابه سال قبل روزانه ۲.۵ میلیون بشکه کاهش یابد. برآورد سالانه نیز از افت متوسط تقاضا به میزان ۲.۶ میلیون بشکه در روز حکایت دارد. محدودیت دسترسی به فرآورده‌ها، جهش قیمت سوخت و وخامت چشم‌انداز اقتصادی از عوامل این کاهش عنوان شده‌اند.

این وضعیت تناقض مهم بازار نفت را آشکار می‌کند: اختلال در عرضه قیمت را بالا می‌برد، اما تداوم قیمت‌های بالا نیز مصرف را کاهش می‌دهد. بنگاه‌ها تولید را محدود می‌کنند، خانوارها سفر و مصرف انرژی را کاهش می‌دهند و برخی سرمایه‌گذاری‌ها به تعویق می‌افتند. در نتیجه، سود کوتاه‌مدت تولیدکنندگان می‌تواند با تضعیف تقاضا در بلندمدت محدود شود. با این حال، افت تقاضا الزاماً به کاهش فوری قیمت منجر نمی‌شود. اگر اختلال عرضه ادامه یابد و ذخایر تجاری کاهش پیدا کند، بازار ممکن است هم‌زمان با مصرف ضعیف‌تر با کمبود عرضه روبه‌رو باشد.



از مجموع ۷۰ عرضه اولیه فرابورس از سال ۱۴۰۱ تا پایان مهرماه ۱۴۰۵، ارزش‌گذاری ۱۲ شرکت توسط تأمین سرمایه لوتوس پارسیان انجام شده است به این ترتیب، حدود ۱۸ درصد از کل عرضه‌های اولیه این دوره با ارزش‌گذاری این شرکت وارد بازار شده‌اند. در مجموع، از سال ۱۴۰۱ تا پایان مهرماه ۱۴۰۵، تعداد عرضه‌های اولیه فرابورس به ۷۰ شرکت رسیده است. ثبت ۱۸ عرضه اولیه در هفت ماه نخست امسال، آن هم در شرایطی که بازار سرمایه با وقفه‌ای طولانی در فعالیت خود مواجه بوده، اهمیت بررسی روند ورود شرکت‌های جدید به بازار را دوچندان می‌کند. با این حال، تداوم این روند در ماه‌های باقی‌مانده سال به شرایط بازار و برنامه عرضه شرکت‌ها بستگی خواهد داشت.

عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی در گفت‌وگو با تازه‌های اقتصاد:

سیاست پولی به تنهایی حریف تورم نیست



شرایط نه جنگ و نه صلح، همراه

گفت و گو

با پیشینه انتظارات تورمی در ذهن مردم، فضایی را بر اقتصاد ایران حاکم کرده است که زندگی آحاد مردم را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این موقعیت، روزنه‌ای کوچک از اخبار مثبت و گشایش سیاسی می‌تواند با کاهش صرف ریسک، به تعدیل سریع انتظارات و تغییر نرخ ارز و قیمت دارایی‌ها کمک کند، اما پایداری آن در گرو آن بهبود واقعی دسترسی ارزی، کاهش هزینه تجارت و تقویت تولید و سرمایه‌گذاری است.

حسین توکلیان، عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، در گفت‌وگویی اختصاصی با تازه‌های اقتصاد، ضرورت انضباط پولی و مالی، اصلاح ناترازی‌های اقتصادی را در شرایط «نه جنگ، نه صلح» بسیار موثر میداند و می‌گوید:بانک مرکزی به‌تنهایی قادر به مهار همه عوامل تورم نیست و کاهش پایدار انتظارات تورمی به انضباط پولی و مالی، هماهنگی سیاست‌ها و بازسازی اعتماد عمومی نیاز دارد. ضمن آنکه اعتبار بانک مرکزی صرفاً با استقلال قانونی تأمین نمی‌شود و به توانایی عملیاتی آن و سازگاری سیاست مالی دولت با اهداف پولی وابسته است. در شرایط جنگی یا شبه‌جنگی نیز حمایت موقت و وثیقه‌محور از نقدینگی بانک‌های دارای توان بازپرداخت و حفظ نظام پرداخت ممکن است ضروری باشد، اما نباید به تأمین مالی نامحدود ناترازی بانک‌ها یا کسری بودجه تبدیل شود. اعتبار سیاست‌گذار حاصل اجرای مستمر و قابل‌باور انضباط پولی و مالی است و انتظارات زمانی به‌صورت پایدار تعدیل می‌شوند که مردم شواهد این پایبندی را در عملکرد واقعی اقتصاد مشاهده کنند.

انتظارات تورمی در اقتصاد ایران بیشتر تحت تأثیر تورم گذشته شکل می‌گیرند یا اخبار سیاسی و نااطمینانی ناشی از شرایط «نه جنگ، نه صلح»؟
آیا گشایش سیاسی می‌تواند انتظارات را به‌سرعت و به‌صورت پایدار تعدیل کند؟
به اعتقاد من، تقابل میان تورم گذشته و اخبار سیاسی برای توضیح انتظارات تورمی در اقتصاد ایران چندان دقیق نیست؛ زیرا این دو عامل در افق‌های زمانی متفاوتی اثر می‌گذارند. سابقه طولانی تورم مزمن باعث شده خانوارها و بنگاه‌ها برای پیش‌بینی قیمت‌های آینده به روند افزایش قیمت‌ها در گذشته اتکا کنند. این رفتار که به‌شکل‌گیری تطبیقی انتظارات معروف است، موجب می‌شود حتی پس از فروکش‌کردن یک شوک تورمی، انتظار استمرار تورم به‌سرعت از بین نرود. تحولات سیاسی و نااطمینانی ناشی از شرایط «نه جنگ، نه صلح» نیز می‌توانند انتظارات کوتاه‌مدت را پیش از وقوع تحولات واقعی، از طریق نرخ ارز، تقاضای دارایی‌های جایگزین پول و تصمیم‌های قیمت‌گذاری تغییر دهند. البته آثار این وضعیت صرفاً روانی نیست و ممکن است با افزایش هزینه تجارت، بیمه، حمل‌ونقل و تأمین مواد اولیه یا محدودیت تولید و سرمایه‌گذاری همراه باشد.

گشایش سیاسی می‌تواند با کاهش صرف ریسک، به تعدیل سریع انتظارات و تغییر نرخ ارز و قیمت دارایی‌ها کمک کند، اما پایداری آن به بهبود واقعی دسترسی ارزی، کاهش هزینه تجارت و تقویت تولید و سرمایه‌گذاری وابسته است. حتی در صورت گشایش سیاسی، بدون اصلاح کسری بودجه، ناترازی نظام بانکی و رشد نامتناسب متغیرهای پولی، نمی‌توان انتظار مهار پایدار تورم را داشت.
متقدم بازسازی اعتماد عمومی نیز بیش از اعلام سیاست‌های جدید، به مشاهده مستمر سازگاری میان وعده‌های سیاست‌گذار و عملکرد واقعی اقتصاد نیاز دارد.

افزایش نرخ ارز علت تشدید انتظارات تورمی است یا خود از این انتظارات تأثیر می‌پذیرد؟
آیا انتظار افزایش دوباره نرخ ارز موجب چسبندگی قیمت‌ها حتی پس از کاهش آن می‌شود؟
رابطه نرخ ارز و انتظارات تورمی در اقتصاد ایران دوطرفه و دارای سازوکار بازخوردی است. وقتی خانوارها و بنگاه‌ها انتظار افزایش قیمت‌ها را دارند، به‌ویژه اگر نرخ سود دارایی‌های ریالی متناسب با تورم انتظاری نباشد، انگیزه تبدیل ریال به ارز، طلا و سایر دارایی‌ها افزایش می‌یابد و نرخ ارز تحت فشار قرار می‌گیرد. افزایش نرخ ارز نیز از طریق بالا رفتن هزینه کالاها و وارداتی، نهاده‌های واسطه‌ای و تولید، به قیمت‌های داخلی منتقل می‌شود. البته بخشی از نوسانات ارز ممکن است ناشی از تغییرات واقعی عرضه و تقاضا، محدودیت‌های تجاری یا درآمدهای ارزی کشور باشد.
نرخ ارز در اقتصاد ایران به شاخصی برای ارزیابی چشم‌انداز تورم و وضعیت کلی اقتصاد تبدیل شده است. بسیاری از خانوارها و بنگاه‌ها تغییرات آن را علامتی از وضعیت آینده اقتصاد تلقی می‌کنند و به همین دلیل، افزایش نرخ ارز ممکن است از طریق تغییر انتظارات، آثاری فراتر از افزایش مستقیم هزینه واردات داشته باشد.

کاهش نرخ ارز نیز لزوماً به کاهش متناسب قیمت‌ها

منجر نمی‌شود. بخشی از این عدم تقارن به چسبندگی قیمت‌ها و ساختار هزینه بنگاه‌ها مربوط است.
بنگاهی که مواد اولیه را با ارز گران خریداری کرده یا هزینه‌های دستمزد، حمل‌ونقل و تأمین مالی آن افزایش یافته است، نمی‌تواند صرفاً با کاهش کوتاه‌مدت نرخ ارز، قیمت فروش را به همان نسبت پایین بیاورد. احتمال افزایش دوباره نرخ ارز نیز ممکن است مانع کاهش قیمت‌ها شود. البته شدت این رفتار به رقابت، کشش تقاضا، نوع قرارداده‌ا و وضعیت موجودی کالا بستگی دارد و کاهش پایدار نرخ ارز در بازارهای رقابتی می‌تواند اثر بیشتری بر قیمت‌ها داشته باشد. بنابراین نباید چسبندگی قیمت‌ها را صرفاً ناشی از انتظارات یا رفتار فرصت‌طلبانه بنگاه‌ها دانست.

به نظرم استمرار بی‌ثباتی ارزی باعث می‌شود بنگاه‌ها به‌تدریج به سمت قیمت‌گذاری بر اساس هزینه‌های انتظاری و جایگزینی حرکت کنند و حتی افزایش موقت نرخ ارز آثار ماندگارتری بر قیمت‌ها داشته باشد. مدیریت انتظارات تورمی به کاهش نوسانات مخرب ارز، بهبود دسترسی به منابع ارزی و سازگاری سیاست‌های پولی، مالی و ارزی نیاز دارد. تثبیت دستوری نرخ ارز، بدون توجه به شرایط بنیادی اقتصاد، ممکن است فشار تعدیل را انباشته کند و زمینه جهش‌های بعدی را فراهم آورد.

آیا افزایش دستمزد‌ها در شرایط فعلی می‌تواند به ماریپچ دستمزد و قیمت منجر شود یا صرفاً بخشی از کاهش قدرت خرید کارگران را جبران می‌کند؟

برای پاسخ به این پرسش باید مشخص کنیم که افزایش دستمزد‌ها منشأ تورم است یا واکنشی به تورم گذشته. در اقتصاد ایران، با توجه به استمرار تورم بالا و کاهش قدرت خرید خانوارها، بخش مهمی از مطالبات دستمزدی ماهیت جبرانی دارد. افزایش دستمزد اسمی

نیز اهمیت دارد؛ زیرا تأمین آن از منابع پایدار با افزایش کسری بودجه، استقراض بانکی و فشار بر پایه پولی آثار متفاوتی خواهد داشت.

افزایش دستمزد‌ها همچنین ممکن است انتظارات تورمی بنگاه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، اما اگر بخشی از برنامه‌ای قابل‌باور برای کاهش تورم، حفظ اشتغال و انضباط مالی باشد، لزوماً انتظارات را تشدید نخواهد کرد.

متقدم سیاست دستمزدی نباید به ابزار اصلی مهار تورم تبدیل شود. نمی‌توان از نیروی کار انتظار داشت هزینه تورمی را که عمدتاً منشأ مالی، پولی، ارزی یا ناشی از اختلالات عرضه دارد، از طریق کاهش مستمر دستمزد واقعی تحمل کند. سرکوب دستمزد‌ها بدون اصلاح عوامل بنیادی تورم، ممکن است به کاهش مصرف، تضعیف تقاضای مؤثر و تعمیق رکود منجر شود.

آیا تورم ایران به مرحله خودتقویت‌شوندگی رسیده است؟

به نظر من، اقتصاد ایران با نشانه‌های جدی از شکل‌گیری سازوکارهای خودتقویت‌کننده تورم مواجه است. البته خودتقویت‌شوندگی به این معنا نیست که تورم ارتباطی با متغیرهای بنیادی اقتصاد ندارد یا بدون شرایط پولی و مالی می‌تواند برای همیشه افزایش یابد، بلکه رفتار خانوارها، بنگاه‌ها و نهادهای اقتصادی پس از یک تکانه اولیه می‌تواند آثار آن را تشدید و ماندگار کند. چند سازوکار بازخوردی در اقتصاد ایران وجود دارد. افزایش انتظارات تورمی می‌تواند تقاضای ارز را بالا ببرد و از طریق افزایش نرخ ارز و هزینه تولید، تورم بیشتری ایجاد کند. تورم جدید نیز انتظارات اولیه را تقویت می‌کند. افزایش قیمت‌ها همچنین هزینه‌های دولت را بالا می‌برد و اگر درآمدها متناسب با آن رشد نکنند، ممکن است کسری بودجه و فشار بر شبکه بانکی افزایش یابد و از طریق رشد پایه پولی و نقدینگی

- منابع طرح تورم صفر باید شفاف باشد

برای ارزیابی طرح «تورم صفر» ابتدا باید میان هدف معیشتی و هدف ضدتورمی آن تمایز قائل شد. براساس توضیحات منتشرشده، این طرح قرار است قیمت برخی کالا‌های اساسی را در شبکه توزیع مشخصی شش ماه ثابت نگه دارد. نه اینکه تورم کل اقتصاد را صفر کنند. چنین برنامه‌ای می‌تواند دسترسی به کالا‌های ضروری با قیمت قابل پیش‌بینی را فراهم کند و بخشی از فشار معیشتی خانوارهای کم‌درآمد را کاهش دهد. تثبیت قیمت چند کالا نیز انتظارات تورمی مسکن، اجاره و خدمات را به‌صورت پایدار تعدیل نمی‌کند. نحوه اجرا و تأمین مالی طرح اهمیت دارد. اگر کاهش قیمت با خرید عمده، قرارداد مستقیم با تولیدکنندگان و کاهش هزینه‌های توزیع حاصل شود، می‌تواند کارایی زنجیره تأمین را بهبود دهد. اما افزایش هزینه واقعی کالا‌ها در شرایط تثبیت قیمت فروش، نیازمند تأمین مالی

به تورم بعدی منجر شود. رفتار قیمت‌گذاری بنگاه‌ها نیز اهمیت دارد. استمرار تورم بالا باعث می‌شود بنگاه‌ها دفعات تغییر قیمت را افزایش دهند، قراردادهای کوتاه‌مدت‌تری منعقد کنند و هزینه‌های انتظاری آینده را در قیمت‌های جاری لحاظ کنند. کاهش تمایل به نگهداری دارایی‌های ریالی و تبدیل سریع‌تر پول به کالا یا سایر دارایی‌ها نیز می‌تواند حتی بدون افزایش متناسب حجم پول، فشارهای تورمی کوتاه‌مدت را تشدید کند.

باین‌حال، اثبات اینکه اقتصاد وارد یک رژیم تورمی کاملاً خودتقویت‌شونده شده، نیازمند بررسی تجربی پایداری تورم، رفتار انتظارات، حساسیت قیمت‌ها به نرخ ارز و واکنش سیاست‌های پولی و مالی است. آنچه از روند تورم ایران می‌توان استنباط کرد، ماندگاری بالای تورم و تقویت متقابل تکانه‌های ارزی، مالی و انتظاری است. متقدم کاهش پایدار تورم علاوه بر کنترل عوامل بنیادی، مستلزم تضعیف سازوکارهایی است که تورم گذشته را به آینده منتقل می‌کنند. در غیر این صورت، حتی پس از رفع یک شوک و دوره‌ای آرامش نسبی، احتمال بازگشت تورم شدید وجود دارد.

بانک مرکزی در شرایط نااطمینانی سیاسی با چه ابزارهایی می‌تواند انتظارات تورمی را به‌صورت پایدار مدیریت کند؟
آیا ابزارهای سیاست پولی به‌تنهایی کافی‌اند یا اعتبار سیاست‌گذار و اعتماد عمومی نیز تعیین‌کننده است؟

مدیریت انتظارات تورمی یکی از وظایف مهم بانک مرکزی است، اما باید توجه داشت که انتظارات با اطلاعیه، وعده یا اعلام هدف تورمی کنترل نمی‌شوند. انتظارات زمانی به‌صورت پایدار تعدیل می‌شوند که فعالان اقتصادی اطمینان پیدا کنند سیاست‌گذار توانایی و اراده لازم برای تحقق هدف اعلام‌شده را دارد. بانک مرکزی در اقتصاد ایران با محدودیت‌هایی مواجه است. کسری بودجه دولت و ناترازی برخی بانک‌ها می‌توانند فشار مستمری بر متغیرهای پولی ایجاد کنند. محدودیت‌های خارجی و نااطمینانی سیاسی نیز بر عرضه ارز، هزینه واردات و ظرفیت تولید اثر می‌گذارند. در چنین شرایطی، بانک مرکزی نمی‌تواند با ابزارهای پولی همه منشأهای تورم را از بین ببرد، اما می‌تواند از تبدیل تکانه‌های اولیه به تورم ماندگار جلوگیری کند.

به نظر من، نخستین گام، ایجاد یک چارچوب سیاست پولی شفاف و قابل ارزیابی است. بانک مرکزی باید افق و روند تدریجی کاهش تورم و محدودیت‌های رشد متغیرهای پولی، تأمین مالی بانک‌ها و گسترش ترازنامه خود را مشخص کند. اهداف مرحله‌ای و واقع‌بینانه مؤثرتر از وعده‌های بلندپروازانه و غیرقابل تحقق هستند.

دومین مسئله، کنترل کانال‌های خلق نقدینگی و بازتأمین مالی بانک‌هاست. رشد نقدینگی صرفاً نتیجه تصمیم بانک مرکزی نیست و از رفتار شبکه بانکی، ناترازی ترازنامه‌ها و تأمین مالی دولت تأثیر می‌پذیرد. بنابراین سیاست پولی باید در کنار مدیریت نقدینگی بازار بین‌بانکی، به کیفیت دارایی‌های بانک‌ها،

- منابع طرح تورم صفر باید شفاف باشد

است. تأمین منابع از طریق یارانه‌های پنهان، افزایش بدهی یا فشار بر شبکه بانکی و بانک مرکزی ممکن است فشار تورمی را از مسیر دیگری بازگرداند. اگر تثبیت قیمت عرضه یا انگیزه تأمین‌کنندگان را کاهش دهد، ممکن است به صف، افت کیفیت و بازارهای موازی منجر شود. بنابراین موفقیت طرح باید با دسترسی واقعی خانوارها، کیفیت، میزان عرضه و هزینه مالی آن سنجیده شود. متقدم اثر آن بر انتظارات بیشتر به کاهش نگرانی معیشتی درباره کالا‌های مشمول محدود می‌شود. من با اصل حمایت هدفمند مخالف نیستم، اما منابع آن باید شفاف، پایدار و غیرتورمی باشد و عرضه را مختل نکنند. عنوان «تورم صفر» ممکن است انتظاراتی فراتر از دامنه برنامه ایجاد کند. بهتر است این اقدام به‌عنوان حمایت معیشتی معرفی شود.

اضافه،برداشت‌ها و تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی توجه کند. سوم، استفاده از ابزار نرخ سود است، اما با ملاحظه شرایط اقتصاد ایران، افزایش نرخ سیاستی می‌تواند با کاهش تقاضای اعتبار و افزایش جذابیت دارایی‌های ریالی به مهار تورم کمک کند. انتقال این سیاست در اقتصاد ایران، با وجود تورم بالا و ناترازی بانکی، دشوار است. افزایش شدید و دفعی نرخ سود ممکن است هزینه تأمین مالی بنگاه‌ها و فشار بر بانک‌ها و بودجه دولت را افزایش دهد. بنابراین باید به سمت اصلاح تدریجی و سازگار نرخ‌های سود و تقویت سازوکار انتقال سیاست پولی حرکت کرد.

چهارمین موضوع، سیاست ارزی است. بانک مرکزی باید از ظرفیت سیاست ارزی برای کاهش نوسانات مخرب و جلوگیری از اختلال در تأمین ارز فعالیت‌های ضروری استفاده کند. تثبیت نرخ ارز در سطحی ناسازگار با شرایط بنیادی اقتصاد و توان مداخله بانک مرکزی ممکن است در کوتاه‌مدت آرامش ایجاد کند، اما در بلندمدت با کاهش ذخایر قابل‌استفاده و احتمال جهش بعدی همراه باشد.

”

در اقتصاد ایران اعتبار سیاست پولی با استقلال قانونی به‌تنهایی تأمین نمی‌شود؛ بانک مرکزی باید توانایی عملیاتی پایبندی به اهداف خود را داشته باشد و سیاست مالی دولت نیز با آن سازگار باشد. در شرایط جنگی یا شبه‌جنگی، بانک مرکزی باید میان جلوگیری از بحران نقدینگی و تأمین مالی تورمزا تفکیک قائل شود. حمایت موقت و وثیقه‌محور از بانک‌های دارای توان بازپرداخت برای حفظ نظام پرداخت ممکن است ضروری باشد، اما نباید به تأمین مالی نامحدود ناترازی بانک‌ها یا کسری بودجه تبدیل شود. در مجموع، اعتبار سیاست‌گذار جایگزین انضباط پولی و مالی نیست؛ بلکه حاصل اجرای مستمر و قابل‌باور همین انضباط است. بانک مرکزی زمانی می‌تواند بر انتظارات اثر پایدار بگذارد که خانوارها و بنگاه‌ها در عملکرد واقعی سیاست‌گذار، شواهدی از تغییر مسیر اقتصاد مشاهده کنند.

به نظر من، مسئله اساسی در اقتصاد ایران اعتبار سیاست‌گذار است. اعتبار سیاست پولی با استقلال قانونی به‌تنهایی تأمین نمی‌شود؛ بانک مرکزی باید توانایی عملیاتی پایبندی به اهداف خود را داشته باشد و سیاست مالی دولت نیز با آن سازگار باشد. در شرایط جنگی یا شبه‌جنگی، بانک مرکزی باید میان جلوگیری از بحران نقدینگی و تأمین مالی تورمزا تفکیک قائل شود. حمایت موقت و وثیقه‌محور از بانک‌های دارای توان بازپرداخت برای حفظ نظام پرداخت ممکن است ضروری باشد، اما نباید به تأمین مالی نامحدود ناترازی بانک‌ها یا کسری بودجه تبدیل شود.

در مجموع، اعتبار سیاست‌گذار جایگزین انضباط پولی و مالی نیست؛ بلکه حاصل اجرای مستمر و قابل‌باور همین انضباط است. بانک مرکزی زمانی می‌تواند بر انتظارات اثر پایدار بگذارد که خانوارها و بنگاه‌ها در عملکرد واقعی سیاست‌گذار، شواهدی از تغییر مسیر اقتصاد مشاهده کنند.

اگر شرایط «نه جنگ، نه صلح» ادامه یابد، آیا اقتصاد ایران می‌تواند بدون گشایش سیاسی به کاهش پایدار تورم دست یابد؟
مهم‌ترین مانع عوامل بنیادی تورم هستند یا انتظارات تورمی تثبیت‌شده در رفتار مردم و بنگاه‌ها؟
به نظر من باید میان امکان نظری کاهش تورم و احتمال تحقق آن در شرایط فعلی اقتصاد ایران تفاوت قائل شد. کاهش پایدار تورم الزاماً به گشایش سیاسی وابسته نیست و حتی در شرایط محدودیت خارجی نیز می‌توان با انضباط مالی و پولی، اصلاح نظام بانکی و بهبود سیاست‌گذاری، بخشی از فشارهای تورمی را مهار کرد. اما استمرار وضعیت «نه جنگ، نه صلح» هزینه اجرای این سیاست‌ها را افزایش می‌دهد و دستیابی به تورم پایین و پایدار را دشوارتر می‌کند.

نااطمینانی سیاسی صرفاً از طریق انتظارات بر تورم اثر نمی‌گذارد. اختلال در صادرات، محدودیت دسترسی ارزی، افزایش هزینه تجارت و کاهش سرمایه‌گذاری می‌تواند ظرفیت تولید و درآمد دولت را تحت فشار قرار دهد. اگر نیاز مالی دولت از طریق شبکه بانکی و بانک مرکزی تأمین شود، شوک اولیه عرضه و ارز ممکن است به فشار پولی ماندگار تبدیل شود. در چنین شرایطی، انقباض شدید پولی می‌تواند به تولید و اشتغال آسیب بزند و تأمین مالی نامحدود نیز تورم را تشدید کند. راه مناسب، به اعتقاد من، ترکیبی از انضباط پولی و مالی، تخصیص هدفمند منابع، حفظ کارکرد نظام بانکی و پرداخت، کاهش هزینه تجارت و ثبات نسبی ارز است. حمایت‌های اضطراری نیز باید شفاف، موقت و از نظر مالی قابل تأمین باشند.

متقدم عوامل بنیادی تورم و انتظارات تورمی را نباید در مقابل یکدیگر قرار داد. ریشه بخش مهمی از تورم مزمن ایران در ناترازی‌های مالی و پولی، ضعف تأمین مالی دولت، ناترازی بانک‌ها و محدودیت‌های ساختاری عرضه قرار دارد. انتظارات تورمی بیشتر تعیین می‌کنند که آثار این فشارها با چه سرعت و شدتی به قیمت‌ها منتقل شوند و تا چه اندازه ماندگار بمانند. بنابراین بدون اصلاح عوامل بنیادی، صرفاً با تغییر انتظارات نمی‌توان تورم را به‌صورت پایدار کاهش داد. البته استمرار طولانی تورم بالا باعث شده خانوارها و بنگاه‌ها تصمیم‌های خود را با فرض تداوم آن اتخاذ کنند. به همین دلیل، حتی پس از اصلاح متغیرهای بنیادی نیز ممکن است کاهش تورم با تأخیر همراه شود. گشایش سیاسی می‌تواند با بهبود دسترسی ارزی، کاهش محدودیت‌های عرضه و تعدیل صرف ریسک، هزینه مهار تورم را کاهش دهد، اما به‌تنهایی کافی نیست و نبود آن نیز نباید موجب تعویق اصلاحات شود. به نظرم کاهش پایدار تورم مستلزم اصلاح سازوکارهای تولیدکننده تورم و بازسازی اعتبار سیاست‌گذار است. فعالان اقتصادی باید به‌تدریج متقاعد شوند که اصلاحات موقتی نیستند. بدون اصلاح عوامل بنیادی، کاهش انتظارات شکننده خواهد بود و بدون بازسازی اعتماد، آثار اصلاحات ممکن است دیرتر در رفتار قیمت‌گذاری و تصمیم‌های اقتصادی ظاهر شود.

پشت ویت‌رین رشد اقتصادی چین چه می‌گذرد؟

چین ثروتمند، جوانان بیکار



اقتصاد چین همچنان با تکیه بر صادرات، تولید صنعتی و فناوری پیش می‌رود؛ اما بیکاری بالای جوانان، رشد کند دستمزدها و بحران مسکن نشان می‌دهد که ثمره رونق اقتصادی این کشور هنوز به‌طور یکسان به زندگی شهروندان نرسیده است. در حالی که چین برای تقویت جایگاه خود در اقتصاد جهانی به توسعه فناوری و افزایش بهره‌وری ادامه می‌دهد، بخشی از نیروی کار این کشور با ناامنی شغلی و نگرانی درباره آینده روبه‌رو است.

تصور کنید شغلان را از دست داده‌اید، درآمدتان کاهش یافته و آینده مبهم به نظر می‌رسد؛ اما هر روز صبح لباس می‌پوشید، از خانه بیرون می‌روید و تا عصر در کتابخانه، کافه یا مرکز خرید وقت می‌گذرانید تا خانواده‌تان متوجه بیکاری شما نشود. این سناریو برای گروهی از شهروندان چینی به واقعیتی روزمره تبدیل شده است؛ پدیده‌ای که به «رفت‌وآمد کاری جعلی» شهرت پیدا کرده است. رویت‌ر در گزارشی به این پدیده پرداخته و روایت افرادی را بازتاب داده است که بیکاری خود را از نزدیکان‌شان پنهان می‌کنند؛ نه لزوماً به این دلیل که از یافتن شغل ناامید شده‌اند، بلکه برای فرار از نگرانی، فشار روانی و پرسش‌های مکرر خانواده. انتشار گسترده تجربه‌های مشابه در شبکه‌های اجتماعی نیز نشان می‌دهد که دشواری‌های بازار کار به مسئله‌ای فراتر از آمارهای اقتصادی تبدیل شده است.

اقتصاد بزرگ‌تر، بازار کار همچنان دشوار

چین یکی از قدرت‌های اصلی جهان در تولید صنعتی، صادرات، خودروهای برقی و فناوری‌های پیشرفته است. با این حال، پشت تصویر اقتصاد قدرتمند این کشور، چالش‌هایی مانند ضعف تقاضای داخلی، بحران طولانی‌مدت بخش املاک، رقابت شدید میان شرکت‌ها و گسترش خودکارسازی قرار دارد؛ عواملی که می‌توانند بر فرصت‌های شغلی و درآمد خانوارها اثر بگذارند. نرخ بیکاری جوانان ۱۶ تا ۲۴ سال به ۱۸.۹ درصد رسیده است. این رقم در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال ۷.۵ درصد و در میان افراد ۳۰ تا ۵۹ سال ۳.۹ درصد گزارش شده است. نرخ بیکاری کل شهری نیز ۵.۳ درصد است.

به بیان دیگر، نرخ بیکاری جوانان ۱۶ تا ۲۴ سال حدود ۳.۶ برابر گروه سنی ۳۰ تا ۵۹ سال است. این فاصله نشان می‌دهد ورود به بازار کار برای جوانان با دشواری بیشتری همراه است؛ مسئله‌ای که می‌تواند استقلال مالی، تشکیل خانواده، الگوی مصرف و اعتماد به آینده را تحت تأثیر قرار دهد. البته اداره ملی آمار چین در سال ۲۰۲۳ انتشار آمار بیکاری برخی گروه‌های سنی را موقتاً متوقف کرد و سپس روش محاسبه را تغییر داد. از این رو، مقایسه این ارقام با داده‌های سال‌های گذشته باید با توجه به تغییرات روش آماری انجام شود.

شکاف رشد اقتصادی و افزایش دستمزدها

یکی دیگر از چالش‌های اقتصاد چین، فاصله میان رشد تولید ناخالص داخلی و افزایش دستمزدهای واقعی است. بر اساس ارقام مطرح‌شده، رشد تقریباً همه اقتصاددانان شرکت‌کننده در نظرسنجی رویت‌ر پیش‌بینی می‌کنند فدرال رزرو آمریکا در نشست اکتبر نرخ بهره را بدون تغییر نگه دارد، اما در دسامبر بار دیگر آن را افزایش دهد؛ تصمیمی که در شرایط تداوم تورم بالا، رشد اقتصادی مقاوم و افزایش هزینه‌های انرژی، می‌تواند نشانه‌ای از ادامه سیاست پولی انقباضی آمریکا باشد.

از میان ۱۰۰ اقتصاددان شرکت‌کننده در نظرسنجی ۱۶ تا ۲۰ اکتبر، ۹۴ نفر انتظار دارند بانک مرکزی آمریکا در نشست ۲۷ و ۲۸ اکتبر، نرخ بهره معیار را در محدوده ۳.۷۵ تا ۴ درصد تثبیت کند؛ پیش‌بینی‌ای که با انتظارات بازار نیز همخوانی دارد. در مقابل، هر ۱۰۰ اقتصاددان پیش‌بینی کرده‌اند فدرال رزرو در نشست دسامبر نرخ بهره را افزایش دهد؛ تغییری چشمگیر نسبت به نظرسنجی ماه گذشته که در آن کمتر از نیمی از پاسخ‌دهندگان انتظار افزایش نرخ بهره در دسامبر را داشتند. کمیته بازار آزاد فدرال رزرو در سپتامبر به‌اتفاق آرا نرخ بهره را ۰.۲۵ واحد درصد افزایش داد. با این حال، مقام‌های پولی آمریکا در هفته‌های اخیر بر ضرورت حرکت محتاطانه و تدریجی در مسیر نرخ بهره تأکید کرده‌اند؛ حتی در شرایطی که داده‌ها از قدرت اقتصاد و بالاتر بودن تورم از انتظارات حکایت دارند. کوین وارش، رئیس فدرال رزرو، نیز از ارائه راهنمایی روشن درباره مسیر آینده نرخ بهره خودداری کرده است.

الکس پل، اقتصاددان ارشد آمریکا در مؤسسه میزو

اقتصادی ۵ درصد و رشد دستمزد واقعی بخش خصوصی ۲.۹ درصد بوده است؛ اختلافی معادل ۲.۱ واحد درصد که نشان می‌دهد افزایش تولید لزوماً با همان سرعت در درآمد کارکنان منعکس نمی‌شود.

این تفاوت به‌تنهایی به معنای کاهش قدرت خرید همه خانوارها نیست، اما می‌تواند بخشی از نگرانی‌ها درباره توزیع منافع رشد اقتصادی را توضیح دهد. هنگامی که درآمد خانوارها با سرعت کمتری افزایش می‌یابد، ممکن است تمایل آن‌ها به خرید کالاهای بادوام، افزایش هزینه‌های مصرفی یا پذیرش تعهدات مالی بلندمدت کاهش پیدا کند. در اقتصادی مانند چین که تقویت تقاضای داخلی یکی از اهداف مهم سیاست‌گذاران است، وضعیت درآمد و اعتماد مصرف‌کنندگان اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر خانوارها نسبت به ثبات شغلی و آینده درآمد خود اطمینان نداشته باشند، حتی رشد مناسب تولید نیز ممکن است به افزایش متناسب مصرف منجر نشود.

چرا بیکاران، وضعیت خود را پنهان می‌کنند؟ کوکو لی، زن ۳۲ ساله‌ای که پیش‌تر در یک شرکت دولتی فعال در حوزه املاک کار می‌کرد، پس از ترک شغلش تصمیم گرفت وضعیت خود را از خانواده پنهان کند. حتی انتشار عکسی از ناهار خانگی نزدیک بود راز او را فاش کند؛ زیرا پیش از ارسال تصویر در گروه خانوادگی به این فکر افتاد که مادرش ممکن است بپرسد چرا سر کار نیست. چنین روایت‌هایی نشان می‌دهد بیکاری تنها به معنای از دست‌دادن درآمد نیست و می‌تواند فشار روانی و اجتماعی نیز به همراه داشته باشد. برخی افراد برای حفظ ظاهر زندگی شاغل خود، صبح زود از خانه خارج می‌شوند و ساعت‌های روز را در کتابخانه‌ها، کافه‌ها و مراکز خرید می‌گذرانند.

نگرانی از قضاوت اطرافیان، فشار خانواده و دشواری توضیح شرایط شغلی، این رفتار را پیچیده‌تر می‌کند. برای برخی افراد، پنهان‌کردن بیکاری راهی موقت برای حفظ حریم شخصی و جلوگیری از تنش خانوادگی است؛ هرچند چنین وضعیتی

نمی‌تواند مشکل اصلی، یعنی نبود شغل و درآمد پایدار، را حل کند.

رویت‌ر گزارش داده است که مطالب مرتبط با این پدیده صدها میلیون بازدید در پلتفرم‌های چینی داشته‌اند. این میزان توجه از گستردگی بحث درباره ناامنی شغلی حکایت دارد، هرچند بازدیدهای شبکه‌های اجتماعی به‌تنهایی معیار دقیقی برای تعیین تعداد بیکاران نیستند.

هوش مصنوعی و بحران مسکن

تحولات فناوری نیز ساختار بازار کار چین را تغییر می‌دهد. شرکت‌ها برای افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها به خودکارسازی و ابزارهای هوش مصنوعی روی می‌آورند؛ روندی که می‌تواند برخی مشاغل را محدود کند و هم‌زمان فرصت‌های تازه‌ای در حوزه‌های دیگر به وجود آورد. با این حال، نسبت‌دادن بیکاری جوانان چین صرفاً به هوش مصنوعی، تصویری ناقص از شرایط بازار کار ارائه می‌دهد. ضعف تقاضای داخلی، بحران طولانی‌مدت بخش املاک، محدودیت مالی برخی دولت‌های محلی، رقابت شدید میان تولیدکنندگان و تغییر نیازهای کارفرمایان نیز در این وضعیت نقش دارند.

در چنین شرایطی، برخی شرکت‌ها ممکن است برای کاهش هزینه‌ها استخدام را محدود کنند یا از نیروی کار موجود انتظار بهره‌وری بیشتری داشته باشند. در مقابل، توسعه فناوری و صنایع پیشرفته می‌تواند مشاغل جدیدی ایجاد کند؛ اما بهره‌مندی از این فرصت‌ها به مهارت‌های متناسب با نیاز بازار وابسته است.

آزمون واقعی اقتصاد چین چیست؟

چین برای حفظ جایگاه خود در اقتصاد جهانی به توسعه فناوری، افزایش بهره‌وری و تقویت صادرات نیاز دارد؛ اما پایداری رشد اقتصادی به این هم بستگی دارد که خانوارها از امنیت شغلی و درآمد کافی برخوردار باشند و بتوانند با اطمینان بیشتری مصرف کنند.

اگر رشد تولید با افزایش متناسب درآمد واقعی

همراه نباشد و جوانان همچنان برای ورود به بازار کار با موانع جدی روبه‌رو شوند، تقویت تقاضای داخلی دشوارتر خواهد شد.

در این شرایط، اتکای بیشتر به صادرات می‌تواند بخشی از ضعف تقاضای داخلی را جبران کند، اما لزوماً همه مشکلات معیشتی را برطرف نخواهد کرد. پشت آمارهای رشد اقتصادی چین، زندگی افرادی قرار دارد که با وجود تحصیلات و تجربه کاری، برای پیدا کردن شغل با مشکل روبه‌رو هستند و گاهی حتی بیکاری خود را از خانواده پنهان می‌کنند.

این وضعیت نشان می‌دهد که رشد اقتصادی، به‌تنهایی نمی‌تواند نگرانی مردم درباره آینده را از بین ببرد. تا زمانی که شغل پایدار و درآمد کافی برای بخش بیشتری از جامعه فراهم نشود، رونق اقتصادی چین برای بسیاری از شهروندان همچنان دور از دسترس خواهد ماند. در این میان، پدیده رفت و آمد کاری جعلی زنگ خطری جدی برای سیاستمداران محسوب می‌شود تا سیاست‌های حمایتی خود را بازنگری کنند. نبود چتر حمایتی گسترده، سلامت روان قشر جوان را به شدت تهدید کرده است. کارشناسان باور دارند که ایجاد بسترهای مشاوره روانی و پرداخت بیمه بیکاری کارآمد، می‌تواند بخشی از این بار سنگین روانی را کاهش دهد.

از سوی دیگر، اگرچه دولت برنامه‌هایی برای تحریک اقتصاد و احیای شرکت‌های کوچک ارائه داده است، اما بازگرداندن اعتماد عمومی قطعاً زمان بر خواهد بود. توسعه مهارت‌های نوین و تطبیق آموزش‌های دانشگاهی با نیازهای واقعی بازار کار، گامی حیاتی برای خروج از این بحران ارزیابی می‌شود. در نهایت، شکوفایی حقیقی اقتصاد زمانی محقق می‌گردد که هر فرد چینی بدون ترس از آینده، جایگاه شغلی ثابت خود را به دست آورد. به عبارت دیگر، موفقیت واقعی و پایدار اقتصاد چین نه در ثبت رکوردهای تازه، بلکه در بهبود کیفیت زندگی و ایجاد آرامش روانی برای تک‌تک شهروندانش نهفته است.

خبر

مکت در نرخ بهره کره جنوبی

نتایج نظرسنجی رویت‌ر از ۳۴ اقتصاددان نشان می‌دهد بانک مرکزی کره جنوبی در نشست ۲۲ اکتبر نرخ بازخرید هفت‌روزه خود را در سطح ۳ درصد ثابت نگه می‌دارد؛ تصمیمی که با هدف ارزیابی آثار افزایش‌های اخیر نرخ بهره اتخاذ می‌شود.

تورم مصرف‌کننده کره جنوبی در سپتامبر از ۳.۱ درصد در اوت به ۲.۹ درصد کاهش یافت، اما همچنان بالاتر از هدف ۲ درصدی بانک مرکزی قرار دارد. رشد قدرتمند صنعت نیمه‌رساناها، بهبود تقاضای داخلی و افزایش هزینه‌های انرژی نیز می‌توانند فشارهای تورمی را حفظ کنند. بانک مرکزی پیش‌تر دو بار متوالی نرخ بهره را افزایش داده است. با این حال، اقتصاددانان معتقدند توقف در اکتبر لزوماً به معنای پایان چرخه انقباضی نیست و احتمال افزایش دوباره نرخ بهره در نوامبر وجود دارد.

جیهو یون، اقتصاددان ارشد بانک بی‌ان‌بی پاریمبا، تأکید کرد رشد قوی اقتصاد، به‌ویژه در بخش نیمه‌رساناها، می‌تواند به تقاضای داخلی سرایت کرده و فشارهای تورمی بیشتری ایجاد کند.

سالمندان؛ قربانیان حوادث کاری

کارکنان ۶۰ ساله و بالاتر در سال ۲۰۲۵، ۳۱.۳ درصد از حوادث شغلی منجر به مرگ یا آسیب‌دیدگی در ژاپن را به خود اختصاص دادند. این حوادث شامل مواردی است که به دست‌کم چهار روز غیبت از کار منجر شده‌اند. افزایش سن بازنشستگی و رشد جمعیت سالمند شاغل از عوامل تشدید این چالش است. نرخ وقوع حوادثی مانند سقوط در مردان سالمند حدود دو برابر و در زنان سالمند پنج برابر کارکنان در دهه ۳۰ زندگی گزارش شده است. همچنین حدود ۶۰ درصد از کارکنان آسیب‌دیده در دهه ۶۰ زندگی، دست‌کم یک ماه از کار دور می‌مانند. وزارت بهداشت، کار و رفاه ژاپن از سال ۲۰۲۰ دستورالعمل‌هایی برای پیشگیری از این حوادث تدوین کرده و با اختصاص پارانه تا سقف یک میلیون ین به شرکت‌های کوچک و متوسط، از بهبود ایمنی محیط کار حمایت می‌کند. ارزیابی تخصصی محیط کار و استفاده از تجهیزات کاهنده فشار جسمی از جمله اقدامات پیشنهادی است؛ با این حال، هزینه‌ها و موانع اداری همچنان اجرای کامل برخی تدابیر را به تأخیر انداخته‌اند.

کشیدن ترمز وام‌دهی بی‌ضابطه

بانک مرکزی برزیل در حال تدوین مجموعه‌ای از اقدامات برای مهار افزایش بدهی خانوارها و نظارت سخت‌گیرانه‌تر بر وام‌دهی بدون وثیقه، از جمله تسهیلات کارت‌های اعتباری است.

به گزارش رویت‌ر، این برنامه می‌تواند شامل الزام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به بررسی دقیق‌تر وضعیت مالی متقاضیان و ارائه شفاف‌تر شرایط و هزینه‌های وام باشد. این اقدامات قرار است به‌تدریج اجرا شوند و افزایش الزامات سرمایه‌ای احتمالا در مرحله نخست قرار نمی‌گیرد.

بانک مرکزی برزیل همچنین الگوهای نظارتی کشورهای دیگر، از جمله سنگاپور، را بررسی کرده است؛ کشوری که سقف بدهی بدون وثیقه را برای برخی گروه‌های درآمدی محدود می‌کند. گسترش خدمات اعتباری دیجیتال در برزیل، دسترسی به وام را آسان‌تر کرده، اما نگرانی‌ها درباره اعطای تسهیلات بدون ارزیابی کافی توان بازپرداخت مشتریان را افزایش داده است. مقام‌های پولی بر دو اصل «توان بازپرداخت» و «تناسب اعتبار با نیاز و شرایط متقاضی» تأکید دارند. بانک مرکزی هنوز جزئیات نهایی این بسته را اعلام نکرده است.

اعتصاب در ۷ سکوی نفتی انگلیس

مؤسسه اس‌اند‌پی گلوبال انرژی امروز در گزارشی هشدار داد که حدود ۱۶۰ نفر از کارکنان تاسیسات فراساحلی شرکت آمریکایی آپاچی انرژی از صبح چهارشنبه، ۲۱ اکتبر، به مدت ۲۴ ساعت دست از کار می‌کشند و اعتصاب می‌کنند. گفته می‌شود که این اقدام اعتراضی فعالیت هفت سکوی نفتی در میدان‌های نفتی فورتیز و بریل در دریای شمال را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اتحادیه کارگری یونایتد هشدار داده است که این اعتصاب ممکن است عرضه سوخت انگلیس را به‌شدت مختل کند و حتی به توقف بزرگ‌ترین خط لوله نفت خام این کشور نیز بینجامد.

این اعتصاب در پی اختلاف بر سر دستمزدها صورت خواهد گرفت و قرار است اعتصاب ۲۴ ساعته دیگری نیز از صبح چهارم نوامبر آغاز شود.

بر اساس این گزارش، کارکنان بخش‌های برق، ابزار دقیق، مکانیک و تولید، به همراه اپراتورهای رادیویی، در این اعتراض شرکت خواهند کرد.



۲۰۲۷ معادل ۲.۱ درصد رشد کند؛ نرخ‌هایی بالاتر از رشد ۲ درصدی که فدرال رزرو آن را با ثبات قیمت‌ها سازگار می‌داند. ایگیل وات، اقتصاددان آمریکا در UBS، می‌گوید بخشی از تاب‌آوری اقتصاد از سرمایه‌گذاری گسترده در فناوری هوش مصنوعی و تداوم هزینه‌کرد مصرف‌کنندگان ناشی می‌شود. با این حال، به گفته او، این روند احتمالاً بیش از همه از سوی گروه‌های پردرآمد تقویت شده است؛ گروه‌هایی که از آثار رشد بازار سهام و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با هوش مصنوعی بهره می‌برند. مجموع این تحولات، فدرال رزرو را با چالشی دوگانه روبه‌رو کرده است: از یک سو، تداوم تورم و افزایش هزینه انرژی احتمال نیاز به نرخ‌های بهره بالاتر را تقویت می‌کند و از

سوی دیگر، سیاست‌گذاران باید آثار افزایش بیشتر هزینه تأمین مالی بر فعالیت اقتصادی را در نظر بگیرند. نظرسنجی رویت‌ر نشان می‌دهد انتظار غالب اقتصاددانان، توقف موقت در اکتبر و ازسرگیری افزایش نرخ بهره در دسامبر است.

قیمت انرژی ناشی از جنگ دونالد ترامپ با ایران و اعمال تعرفه‌های جدید بر کالاهای وارداتی، به یکی از نقاط آسیب‌پذیر سیاسی جمهوری‌خواهان در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا تبدیل شده است. قیمت نفت نیز در شرایطی که نشانه‌ای از فروکش کردن جنگ دیده نمی‌شود، بالاتر از ۱۰۰ دلار در هر بشکه باقی مانده است.

اقتصاد مقاوم در برابر نرخ‌های بهره بالا

در سوی دیگر، عملکرد اقتصاد آمریکا همچنان از مقاومت نسبی فعالیت‌های اقتصادی حکایت دارد. اقتصاد این کشور در سه‌ماهه دوم با نرخ سالانه‌شده ۲.۲ درصد رشد کرد؛ رشدی که بخش مهمی از آن از سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با هوش مصنوعی ناشی شد. پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی در سه‌ماهه سوم به ۳.۲ درصد برسد، اما در سه‌ماهه پایانی سال به ۲.۲ درصد کاهش یابد.

برآوردها حاکی از آن است که اقتصاد آمریکا در مجموع سال جاری میلادی ۲.۳ درصد و در سال

چراغ سبز اقتصاددانان به افزایش نرخ بهره آمریکا

سکپوریتیز، معتقد است با توجه به قدرت اقتصاد و تداوم تورم، تعویق افزایش نرخ بهره در اکتبر تصمیم درستی از منظر سیاست‌گذاری نیست. به گفته او، فدرال رزرو احتمالاً در دسامبر نرخ بهره را ۰.۲۵ واحد درصد دیگر افزایش می‌دهد، اما احتمال افزایش ۰.۵ واحد درصدی نیز وجود دارد.

خطر تداوم تورم و افزایش بیشتر نرخ بهره

بر اساس نتایج نظرسنجی، نزدیک به ۶۰ درصد اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند نرخ بهره در نهایت به محدوده ۴ تا ۴.۲۵ درصد برسد. با این حال، ۳۸ نفر از مجموع ۹۲ پاسخ‌دهنده به این پرسش انتظار دارند فدرال رزرو دست‌کم دو مرحله دیگر نرخ بهره را افزایش دهد؛ سهمی که در نظرسنجی سپتامبر حدود یک‌پنجم بود.

مایکل گپن، اقتصاددان ارشد آمریکا در مورگان استلی، می‌گوید خطر‌ها به سمتی متمایل شده‌اند که فدرال رزرو در نهایت ناچار شود بیش از میزان مورد انتظار نرخ بهره را افزایش دهد. تورم آمریکا نزدیک به شش سال است که بالاتر از هدف ۲ درصدی فدرال رزرو قرار دارد. میانه پیش‌بینی‌های نظرسنجی نشان می‌دهد شاخص قیمت مخارج مصرف شخصی یا PCE، معیار ترجیحی بانک مرکزی برای سنجش تورم، در فصل‌های آینده بیش از یک واحد درصد بالاتر از هدف ۲ درصدی باقی خواهد ماند و دست‌کم تا سال ۲۰۲۸ به این هدف بازمی‌گردد.

افزایش هزینه‌های زندگی، به‌ویژه در پی رشد